



Designing a feasibility model for improving the qualitative characteristics of relevance based on fair value from the perspective of stakeholder theories in Iran

Reza Jamshidi ¹, Mojtaba Chavoshani ^{*2}, Yahya Shiri ³, Maryam Nouraei ¹

¹ Department of Accounting, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

^{2*} Department of Accounting, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding autour), Email: m.chavoshani@iau.ac.ir

³ Department of Accounting, Sah.C., Islamic Azad University, Sahneh, Iran

ARTICLE INFO

Article history:

Received:15/06/2026

Received in revised form:09/07/2026

Accepted:03/08/2026

Available online:03/08/2026

Keywords:

Relevance

Financing, Grounded Theory

Stakeholder Theory

ABSTRACT

From the perspective of stakeholder theories, economic enterprises are responsible and accountable not only to shareholders, but also to a wide range of groups including employees, creditors, customers, the government, and society. In this framework, the qualitative characteristic of information relevance, which is strengthened through measurement criteria based on "fair value", is of particular importance. In this regard, this research was conducted with the aim of designing a feasibility model for improving the qualitative characteristics of relevance based on fair value from the perspective of stakeholder theories in Iran. The method of this research was mixed (qualitative-quantitative). In the qualitative part, a systematic review method was used to identify indicators, and after reviewing 97 articles, 39 articles were finally used as the basis for extracting indicators, and qualitative data analysis led to the extraction of 17 indicators. Then, in the quantitative part, interpretive structural modeling (ISM) was used for modeling. The data in this section were collected with the help of self-interaction matrix, which was completed by 19 experts. As a result of analyzing the collected data with ISM Matlab software, a five-level model was obtained, the most effective indicator of which is the reduction of information asymmetry.

Article Type: Research Paper



©Authors

Journal of Intelligent Financial Management,
2025, Vol. 2, No.2, pp. 131- 150

Publish by:

Tolou-e Binsh-e Ayandeh Scientific Institute

<https://doi.org/10.25843/JIFM.2025.8563.28108>

Cite: Jamshidi,R , Chavoshani,M , Shiri,Y and Nouraei,M . (2026). Designing a feasibility model for improving the qualitative characteristics of relevance based on fair value from the perspective of stakeholder theories in Iran. Journal of Intelligent Financial Management, 2(2), 131-150.

طراحی مدل امکان سنجی بهبود ویژگی های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری های ذی نفعان در ایران

رضا جمشیدی^۱، مجتبی چاوشانی^{۲*}، یحیی شیرینی^۳، مریم نورایی^۱

۱ - گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲ و ۳ - گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل نویسنده مسئول: m.chavoshani@iau.ac.ir

۳ - گروه حسابداری، واحد صحنه، دانشگاه آزاد اسلامی، صحنه، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

کلیدواژه ها:

مربوط بودن

ارزش منصفانه

تئوری ذی نفعان

از منظر تئوری های ذی نفعان، بنگاه های اقتصادی نه تنها در برابر سهامداران، بلکه در قبال طیف وسیعی از گروه ها شامل کارکنان، بستانکاران، مشتریان، دولت و جامعه مسئول و پاسخگو هستند. در این چارچوب، ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات که از طریق معیارهای سنجش مبتنی بر «ارزش منصفانه» تقویت می شود، اهمیت ویژه ای می یابد. در این راستا این پژوهش با هدف طراحی مدل امکان سنجی بهبود ویژگی های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری های ذی نفعان در ایران به انجام رسید. روش انجام این پژوهش آمیخته (کیفی- کمی) بود. در بخش کیفی برای شناسایی شاخص ها از روش مرور سیستماتیک استفاده شد و پس از بررسی ۹۷ مقاله نهایتاً ۳۹ مقاله مبنای استخراج شاخص ها قرار گرفتند و تحلیل داده های کیفی منجر به استخراج ۱۷ شاخص شد. سپس در بخش کمی، برای مدل سازی از مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شد. داده های این بخش با کمک ماتریس خودتعاملی گردآوری شد که این ماتریس ها توسط ۱۹ خبره تکمیل شدند. در نتیجه تحلیل داده های گردآوری شده با نرم افزار ISM متلب مدلی پنج سطحی حاصل شد که تاثیرگذارترین شاخص آن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است.

نوع مقاله: پژوهشی



© نویسندگان

استناد: جمشیدی، رضا و چاوشانی، مجتبی و شیرینی، یحیی و نورایی، مریم. (۱۴۰۵). طراحی مدل امکان سنجی بهبود ویژگی های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری های ذی نفعان در ایران. *مدیریت مالی هوشمند*، ۲(۲)، ۱۳۱-۱۵۰.

نشریه مدیریت مالی هوشمند، ۱۴۰۵، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۱۳۱-۱۵۰.

ناشر: موسسه علمی طلوع بینش آینده

<https://doi.org/10.25843/JIFM.2025.8563.28108>

مقدمه

گزارشگری مالی به عنوان نظامی برای اندازه گیری، شناسایی و افشای رویدادهای اقتصادی، نقشی بنیادین در کارایی بازارهای مالی و تخصیص بهینه منابع ایفا می کند. در چارچوب مفهومی استانداردهای حسابداری، هدف اصلی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای تصمیم گیری اقتصادی استفاده کنندگان مفید باشد. در این چارچوب، مربوط بودن یکی از ویژگی های کیفی بنیادی اطلاعات مالی تلقی می شود که بیانگر توانایی اطلاعات در ایجاد تفاوت در تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان است؛ به گونه ای که اطلاعات مربوط باید دارای ارزش پیش بینی کنندگی، ارزش تأیید کنندگی و اهمیت باشد (Alfonso et al, 2023). با تحول محیط های اقتصادی، جهانی شدن بازارها، گسترش ابزارهای مالی پیچیده و افزایش سرعت تغییرات قیمت ها، انتقادات فزاینده ای نسبت به رویکرد سنتی بهای تمام شده تاریخی مطرح شده است. بهای تاریخی، اگرچه از منظر قابلیت اتکا و عینیت مزایایی دارد، اما در بسیاری از موارد بازتاب دهنده شرایط جاری اقتصادی نیست و ممکن است تصویر به روزی از وضعیت مالی واحد تجاری ارائه ندهد. در چنین شرایطی، رویکرد «ارزش منصفانه» به عنوان مبنای اندازه گیری جایگزین یا مکمل، در استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) و بسیاری از نظام های حسابداری ملی گسترش یافته است (Bratten et al, 2021).

در پاسخ به این چالش ها، طی دهه های اخیر اندازه گیری و گزارشگری بر مبنای ارزش منصفانه به عنوان یکی از رویکردهای مهم در استانداردهای حسابداری بین المللی و ملی مورد توجه قرار گرفته است. ارزش منصفانه با تمرکز بر قیمت های جاری بازار و انتظارات اقتصادی، تلاش می کند تصویر واقعی تری از وضعیت مالی و عملکرد اقتصادی واحد تجاری ارائه دهد. طرفداران این رویکرد معتقدند که ارزش منصفانه می تواند میزان مربوط بودن اطلاعات مالی را افزایش دهد، زیرا اطلاعات مبتنی بر ارزش های جاری معمولاً برای پیش بینی جریان های نقدی آتی و ارزیابی عملکرد اقتصادی مفیدتر است.

در مقابل، منتقدان بیان می کنند که استفاده گسترده از ارزش منصفانه ممکن است با افزایش قضاوت های ذهنی، نوسان در گزارشگری مالی و کاهش قابلیت اتکای اطلاعات همراه باشد، به ویژه در شرایطی که بازارهای فعال برای تعیین ارزش وجود ندارد (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان، بررسی ارزش منصفانه صرفاً از منظر ویژگی های فنی حسابداری کافی نیست و لازم است این موضوع در چارچوب تئوری های اقتصادی و به ویژه تئوری ذی نفعان نیز مورد تحلیل قرار گیرد. تئوری ذی نفعان بیان می کند که سازمان ها تنها در برابر سهامداران پاسخگو نیستند، بلکه باید منافع طیف وسیعی از ذی نفعان شامل کارکنان، اعتباردهندگان، مشتریان، دولت، جامعه و سایر گروه های ذی ربط را نیز در نظر بگیرند. از این دیدگاه، کیفیت اطلاعات حسابداری زمانی مطلوب تلقی می شود که بتواند نیازهای اطلاعاتی این گروه های مختلف را تأمین کند و زمینه تصمیم گیری آگاهانه آنان را فراهم سازد (Hermanso et al, 2022).

با وجود گسترش استفاده از ارزش منصفانه در استانداردهای حسابداری، هنوز ابهام های قابل توجهی درباره میزان تأثیر این رویکرد بر بهبود ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات مالی از دیدگاه ذی نفعان وجود دارد. ارزش منصفانه برای سرمایه گذاران و بازار سرمایه اطلاعات مربوط تری فراهم می کند، اما در عین حال ممکن است برای سایر ذی نفعان مانند اعتباردهندگان یا نهادهای نظارتی پیامدهای متفاوتی داشته باشد. علاوه بر این، در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، محدودیت هایی مانند نبود بازارهای فعال، ضعف زیرساخت های ارزش گذاری و عدم تقارن اطلاعاتی می تواند بر کارایی اندازه گیری ارزش منصفانه تأثیر بگذارد و در نتیجه میزان مربوط بودن اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار دهد (Lev et al, 2023). در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، چالش هایی نظیر نبود بازارهای عمیق و کارا، ضعف زیرساخت های ارزش گذاری، محدودیت در دسترسی به داده های بازار و نظارت ناکافی وجود دارد.

در چنین محیطی، اجرای کامل رویکرد ارزش منصفانه ممکن است با دشواری هایی همراه باشد و نتایج متفاوتی نسبت به اقتصادهای توسعه یافته به همراه آورد. هرچند، ساختار مالکیت متمرکز، نفوذ دولت در بنگاه ها و ضعف حمایت از سرمایه گذاران خرد می تواند بر نحوه استفاده از اطلاعات حسابداری توسط ذی نفعان تأثیر بگذارد. بنابراین، امکان سنجی بهبود ویژگی کیفی مربوط بودن بر اساس ارزش منصفانه باید در بستر نهادی و اقتصادی خاص هر کشور مورد بررسی قرار گیرد (Adebay et al, 2024). این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می یابد که بدانیم پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در بسیاری از کشورها بدون ارزیابی دقیق پیامدهای نهادی و اقتصادی آن صورت گرفته است.

- در این راستا، پرسش اساسی این پژوهش است که مدل امکان سنجی بهبود ویژگی های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری های ذی نفعان در ایران چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران، هدف صورت های مالی عبارت از ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده درباره ی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد. خصوصیات کیفی به خصوصیات اطلاقی می شود که موجب می گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی واحد تجاری مفید واقع شود. خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات، "مربوط بودن" و "قابل اتکا بودن" است. بنابراین هرگاه اطلاعات مالی مربوط و قابل اتکا نباشند، مفید نخواهند بود. خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با ارائه اطلاعات "قابل مقایسه بودن" و "قابل فهم بودن" است. اطلاعاتی که فاقد این خصوصیات باشد، علیرغم مربوط بودن و قابل اتکا بودن، دارای فایده ی محدودی است. لذا، خصوصیات کیفی قابل مقایسه بودن و قابل فهم بودن، بر مفید بودن اطلاعات می افزایند و به این منظور وجود ثبات رویه در روش های حسابداری بکارگرفته شده و افشای مناسب اطلاعات الزامی است. با توجه به مطالب فوق، در صورت وجود اشتباه در صورتهای مالی دوره یا دوره های مالی قبل و در صورت تغییر رویه در دوره جاری نسبت به دوره یا دوره های مالی قبل، تجدید ارائه صورت های مالی ابزاری متداول به منظور ایجاد ثبات رویه و افشای مناسب اطلاعات است که در حال حاضر استفاده بسیار زیادی در کشور دارد. (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۱).

ارزش منصفانه

سیستم حسابداری مرسوم به نفع استفاده از مقادیر که در آن عناصر صورت های مالی در تاریخ اولیه خود اندازه گیری شود به عنوان بهای تمام شده تاریخی مطرح می باشند که در این سیستم حسابداری هزینه های تاریخی دارای برخی مزایا شامل عینیت و قطعیت خواهد در وهله اول می باشند. آنها می توانند یک معیار اندازه گیری محتاطانه برای حفاظت از سازمان فعالیت و خدمت کنند. طلبکاران متاسفانه هزینه های تاریخی ویژگی مناسب و مربوط به تصمیم گیری های اقتصادی را به زوال می برند زیرا تابع تصمیم گیری های گذشته نگر حسابداری که از نقطه نظر تاریخی صورت پذیرفته و داده های آن فاقد ارزش است می باشد ولیکن بخاطر پاسداشت از حسابداری بهای تمام شده تاریخی صورت پذیرفته است. و این به عنوان یک واکنش در مقابل آن دسته از واحدهای سازمانی صورت می پذیرد که در مقابل معایب استانداردهای بهای تمام شده از ویژگی های اندازه گیری براساس اطلاعات بازار و به تبع آن براساس آن موضوعات برای تهیه صورت های مالی توسط نهادها و سازمان های مسوول است (سهیلی فرد و امینی پور، ۱۴۰۲). ارزش منصفانه به عنوان مفیدترین و مهم ترین ویژگی بازار در نظر گرفته می شود تا آنکه برای اندازه گیری های مالی و توانگری آن نگرانی وجود نداشته باشد. زمینه های اقتصادی درخصوص ادعای مذکور را می توان در بررسی های بیتی و همکاران (۱۹۹۶) و یا هیتون و همکاران (۲۰۰۹) دید با این حال باید به این نتیجه رسید که ارزش های منصفانه نوش دارو نیست و پایگاه های اندازه گیری رویدادها نیز باید دارای ویژگی های مطلوب باشند (بارت، ۲۰۲۱). البته، شاید ارزش های منصفانه به عنوان یک راه حل مناسب و اولویت دار در قبال پایان دادن به مناقشه انتخاب قابلیت اطمینان دهی و یا ارتباط (مربوط بودن) اطلاعات است که این امر به علت ماهیت دو ویژگی مذکور و متفاوت از اطلاعات حسابداری شاید هرگز به پایان نرسد. طرح مفهوم به کارگیری ارزش های منصفانه در مفاهیم حسابداری و تجزیه و تحلیل عمده نسبت به آن برای اولین بار در سال ۲۰۰۱ توسط نودز مطرح شد و پس از آن پلانتین و همکاران (۲۰۰۵) و پنمن (۲۰۰۶) اقدام به توصیف های اضافی در نمایش مفاهیم عمیق و منفی از ارزش های حسابداری و اندازه گیری آن نمودند. در سطح مفهومی (بدنبال آن ها نهاد های IASB و FASB) عنوان نمودند که حسابداری ارزش های منصفانه قرار است تولید اطلاعاتی با درجه ای بالاتر و سطحی مناسب تر از سودمندی اطلاعات برای تصمیم گیری و در نتیجه ارتباط داده های حسابداری و نتایج ارائه اطلاعات مفید برای سهامداران و سرمایه گذاران باشد و به عنوان یک نتیجه از مفهوم مذکور سرمایه گذاران برای تحصیل یک دیدگاه ارزشمندتر از خوب بودن وضعیت سازمان اقدام به استفاده از این اطلاعات می نمایند اما از طرفی دیگر اضافه نمودن و یا تغییر در ارزش دارایی ها برای استفاده کننده انگیزه هایی برای کاهش اعتبار گزارشگری های مالی افزایش می دهد (میرانژاد و همکاران، ۱۴۰۲).

تئوری اقتصادی ذی نفعان

در بین ادبیات مربوط به ذینفعان تعاریف و تئوری های مختلفی از ذینفعان و ارتباطات، وابستگی ها و تاثیرات آنها بر سازمان وجود دارد. می توان گفت که امروزه بسیاری از محققان ذینفعان را در حوزه ی CSR و به عنوان یک بخش ضروری و اساسی آن مورد توجه و تحلیل قرار می دهند ولی یک ادبیات خاص البته با نگرش ها و رویکردهای مختلف به طبیعت و هدف ذینفعان نیز وجود دارد. دونالدسون و پرستون سه نوع مختلف از تئوری های مربوط به ذینفعان را دسته بندی کرده اند که عبارتند از: هنجاری، توصیفی و ابزاری. آنها بیان می کنند که مدیریت ذینفعان همان مدیریت در حالت گسترده ی آن است چرا که می تواند تئوری های هنجاری، توصیفی و ابزاری را یکپارچه نموده و به مدیران در تصمیم گیری کمک نماید. اعتبار نظریه ی آنان با توجه به کاربرد گسترده ی آن در مقالات و متون مختلف مربوط به تصمیم گیری مدیران در ارتباط با ذینفعان تثبیت شده است (Frooman et al, 2021). دونالدسون و پرستون معتقدند که اگر تئوری های هنجاری، توصیفی و ابزاری در کنار یکدیگر و مرتبط با یکدیگر دیده شوند می توانند درک بهتری از مدیریت ذینفعان به دست. این مبحث نشان دهنده ی ارتباط بین این سه موضوع است

که الف) ذینفعان چه کسانی هستند؟ (توصیفی)، ب) ارتباطات ذینفعان چگونه مدیریت می شود؟ (ابزاری) و ج) هدف از این ارتباطات چیست و چگونه این ارتباطات از نظر اخلاقی منبع یابی می شوند؟ (هنجاری). در واقع تئوری توصیفی بیان گر این موضوع است که سازمان شبکه ای از علاقمندی هایی^۲ است که ممکن است با یکدیگر مشارکت نموده و یا رقابت کنند. محققان دیگر نیز بر شناسایی این ارتباطات به جای درک رفتارهای تحت تاثیر این ارتباطات تمرکز داشته اند (Russo et al, 2023).

پیشینه پژوهش

علیپور (۱۴۰۲) تحقیق در نتیجه سیاست های اعتباری بر مربوط بودن داده های حسابداری در شرکت ها با اهرم مالی متفاوت را در یک مقاله علمی پژوهش مورد مطالعه قرار داد. پژوهش حاضر با استفاده از الگوی داده های ترکیبی با اثرات تصادفی و آزمون Z ونگ برای دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳، نمونه های ۱۰۳ شرکتی را از سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند، به صورت سالانه مورد مطالعه قرار داد. به منظور بررسی مربوط بودن اطلاعات مالی، از الگوی اولسن (۱۹۹۵) استفاده شده که در آن مربوط بودن سود و ارزش دفتری با ارزش هر سهم مورد بررسی قرار گرفت و در این راستا به بررسی تاثیرات سیاست های اعتباری بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری پرداخته شد؛ همچنین به منظور ارزیابی دقیق تر روابط بین متغیرها، نقش کنترلی اهرم مالی نیز در نظر گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان داد سیاست های اعتباری شرکت بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تاثیر معنی دار و معکوس دارد. یافته ها همچنین نشان داد که سیاست های اعتباری شرکت بر مربوط بودن ارزش داده های حسابداری در شرکت های با اهرم مالی متفاوت تاثیر متفاوتی دارد. برامکی و گودرزی (۱۴۰۳) بررسی رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه با مربوط بودن اطلاعات و جریان های نقد آزاد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار دادند. روش این پژوهش از نوع پژوهش های کاربردی و همبستگی است. داده ها مربوط به ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۷ تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نتایج بیانگر این بود که بین مخارج تحقیق و توسعه و مربوط بودن اطلاعات حسابداری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین جریان نقد آزاد و مربوط بودن اطلاعات حسابداری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بررسی های بیشتر نشان داد که بین رابطه مخارج تحقیق و توسعه و جریان نقد آزاد و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در طول مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین ارتباط بین محتوای اطلاعاتی مخارج تحقیق و توسعه کارا و جریان های نقدی آزاد کارا با ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری در صنایع رقابتی در مقایسه با صنایع متمرکز تفاوت معنی داری وجود دارد. بادآورندهی و همکاران (۱۴۰۴) تاثیر استفاده از سیستم های اطلاعاتی حسابداری برویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به معرض پژوهش گذاشتند. در این پژوهش حسابرسان معتمد سازمان بورس اوراق بهادار و اساتید دانشگاه ها در جامعه آماری لحاظ شدند و تاثیر استفاده از سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر صورتهای مالی شرکت های بورسی تهران در قالب پرسشنامه ای مورد سوال و بررسی قرار گرفت و در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد. روش های آماری که روی این پرسشنامه انجام داده شد آمار استنباطی بوده است که از آزمونهای کلموگروف – اسمیرنوف و آزمون تی استودنت تک نمونه ای استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش در راستای فرضیه های مطرح – شده به این شرح بودند که استفاده از سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر ویژگی مربوط بودن و قابلیت مقایسه در صورتهای مالی تاثیر بالایی دارند ولیکن این تاثیر بر ویژگی قابلیت اعتماد در صورتهای مالی پایین بودند.

در خارج از کشور هم پژوهش های متفاوتی در این زمینه به انجام رسیده است که در ادامه به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود. الصفا و همکاران (۲۰۲۰) ارتباط ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری در امارات متحده عربی را مورد پژوهش قرار دند. این پژوهش به بررسی ارتباط ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری در دوره های قبل و بعد از اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی با استفاده از رویکردهای رگرسیون و پرتفوی برای نمونه ای از شرکت های امارات متحده عربی پرداخته است. نتایج حاصل از ترکیبی از رویکردهای رگرسیون و پرتفوی، نشان داد که مربوط بودن اطلاعات حسابداری در بازار سهام امارات متحده عربی دارای ارتباط ارزشی هستند. مقایسه نتایج برای دوره های قبل و بعد از پذیرش، بر اساس هر دو رویکرد رگرسیون و پرتفوی، کاهش ارتباط ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری را پس از اصلاح استانداردهای حسابداری نشان می دهد. می توان این را اینگونه تفسیر کرد که پیروی از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) در امارات متحده عربی، ارتباط ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بهبود بخشیده است. با این حال، نتایج مبتنی بر رویکرد پرتفوی نشان داد که محتوای اطلاعاتی افزایشی جریان های نقدی برای دوره پس از IFRS افزایش یافته است. فلیکس و همکاران (۲۰۲۳) ارتباط رویه های مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) در نیجریه را با یک ارزیابی نظری به انجام رساندند. این مطالعه، بنگاه های کوچک و متوسط را به عنوان ابزاری کاتالیزور برای رشد و توسعه اقتصادی شناسایی کرد. در این مطالعه اشاره شد که ناکارآمدی مربوط بودن اطلاعات حسابداری عامل اصلی فروپاشی زودرس بنگاه های کوچک و متوسط در نیجریه است. این مقاله نشان داد که ارتباط مناسب اطلاعات حسابداری،

موفقیت شرکت‌های کوچک و متوسط را افزایش داده و پشتیبانی اطلاعاتی لازم را فراهم کرده است. این پژوهش بیان کرد که مربوط بودن اطلاعات حسابداری مبنای تصمیم‌گیری استراتژیک و درک صحت وضعیت مالی شرکت‌های کوچک و متوسط در نیجریه را فراهم کرده است. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که شرکت‌های کوچک و متوسط ظرفیت تبدیل ثروت خود از طریق مربوط بودن اطلاعات حسابداری به دست آورده اند. از این رو، مطالعات نشان داد که گزینه‌های تأمین مالی نیاز به سیستم اطلاعاتی دارند که شامل اطلاعات حسابداری مربوط باشد. دایا و همکاران (۲۰۲۴) سطح مربوط بودن اطلاعات حسابداری در اندونزی را مورد مطالعه قرار دادند. این پژوهش، ارتباط ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری استخراج‌شده از صورت‌های مالی ۱۵ شرکت اندونزیایی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار اندونزی را برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۲۰ بررسی کرد. روابط بین اطلاعات حسابداری (که به صورت سود، ارزش دفتری و جریان‌های نقدی اندازه‌گیری می‌شوند) و ارزش شرکت (که به صورت قیمت سهام اندازه‌گیری می‌شوند) از طریق آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون تجزیه و تحلیل شده‌اند. مشخص شد که همه این روابط در سطوح مختلف مثبت و معنادار هستند. در مقایسه با ارزش دفتری، سود بیشترین تأثیر را بر قیمت سهام دارد، در حالی که جریان‌های نقدی کمترین تأثیر را بر قیمت سهام دارند. این مطالعه در درک ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مربوط در بورس اوراق بهادار به عنوان یک بازار نوظهور و ارائه بینش‌های همتا برای ارتقاء استانداردهای گزارشگری مالی در این کشور و سایر کشورهای مشابه در منطقه مشارکت دارد. لیرو و همکاران (۲۰۲۵) مدل مربوط بودن اطلاعات حسابداری بر اساس گزینش‌پذیری سود و ارزش‌گذاری را در سنگاپور طراحی نمودند. در این پژوهش برای شناسایی و دسته‌بندی متغیرهای تأثیرگذار بر ارزش اطلاعات حسابداری، نظرات تحلیلگران بنیادی در بازار (به عنوان کارشناسان اجرایی) و متخصصان دانشگاهی در نظر گرفته شد. به طور خاص، ۱۲۰ تحلیلگر بنیادی در تعیین متغیرهای اولیه و ۲۸ متخصص دانشگاهی در انتخاب متغیرهای مناسب برای مدل‌های اولیه مشارکت داشتند. علاوه بر این، برای توسعه یک مدل بهینه، داده‌های ۱۷۰ شرکت سهامی عام در بورس اوراق بهادار سنگاپور بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که از ۲۸ متغیر بررسی شده (از دیدگاه تحلیلگران بنیادی)، تنها ۲۳ متغیر ضروری تشخیص داده شدند. در این میان، ۱۵ متغیر (از دیدگاه کارشناسان دانشگاهی) در چارچوب ارزش‌گذاری و گزینش‌پذیری سود، اعتبارسنجی و دسته‌بندی شدند. علاوه بر این، مدل‌های بهینه‌شده نشان داد که در مدل اول (متغیر وابسته: قیمت)، چهار متغیر اضافه شده و در مدل دوم (متغیر وابسته: بازده)، هشت متغیر اضافی در مقایسه با مدل اولیه معرفی شده‌اند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به دنبال طراحی مدل امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری‌های ذی‌نفعان در ایران با استفاده از یک روش پژوهش آمیخته (کیفی- کمی) است. این پژوهش از جنبه هدف کاربردی محسوب می‌شود. چرا که بیشترین کاربرد آن برای مدیران و سیاست‌گذاران فعال در حوزه مربوط بودن ویژگی‌های کیفی گزارش‌های مالی است. در بخش کیفی به‌منظور درک، شناخت و استخراج متغیرها از روش فراترکیب تا رسیدن به متغیر استفاده شده است. برای انجام روش فراترکیب از روش سندلوسکی و باروسو استفاده می‌شود. روش سندلوسکی و باروسو یک روش کاربردی برای پژوهش فراترکیب است. روش فراترکیب یکی از انواع روش‌های فرامطالعه است و یک روش تحقیق کیفی محسوب می‌شود. در واقع فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که از اطلاعات یافته‌های مستخرج از مطالعات دیگر در زمینه موضوع مرتبط، استفاده می‌کند. پژوهشگر در روش فراترکیب، داده‌های ثانویه نتایج حاصل از سایر مطالعه‌ها را برای پاسخگویی به نتایج مطالعه خود باهم ترکیب نموده و نتایج جدیدی بدست می‌آورد. در بخش کیفی این پژوهش جامعه آماری شامل همه مقالات و پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی از سال ۲۰۱۵ تاکنون است. در بخش کمی برای سطح بندی مولفه‌های شناسایی شده و تعیین ارتباط بین آنها از روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شده است. مدلسازی ساختاری تفسیری روشی برای طراحی الگوی روابط پیچیده و چندگانه میان متغیرهای یک پدیده است. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که براساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین متغیرهای زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است. برای بررسی اثر هر یک از متغیرها بر روی متغیرهای دیگر؛ این طراحی رویکردی فراگیر برای سنجش ارتباط است و این طراحی برای توسعه چارچوب مدل به کار می‌رود تا اهداف کلی تحقیق امکان‌پذیر شود. مدل ساختار تفسیری قادر است ارتباط بین شاخص که به صورت تکی یا گروهی به یکدیگر وابسته‌اند، را تعیین نماید. روش مدلسازی ساختاری تفسیری با تجزیه معیارها در چند سطح مختلف به تحلیل ارتباط بین شاخص‌ها می‌پردازد. روش مدلسازی ساختاری تفسیری می‌تواند برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین ویژگی‌های چند متغیر که برای یک مساله تعریف شده‌اند، استفاده شود روش مدلسازی ساختاری تفسیری می‌تواند برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین ویژگی‌های چند متغیر که برای یک مساله تعریف شده‌اند، استفاده شود. مدلسازی ساختاری تفسیری مشتمل بر چهار گام اصلی است که عبارتند از: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری، تشکیل ماتریس سازگاری اولیه، تشکیل ماتریس وابستگی و تعیین سطح اهداف. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی برای تکمیل کردن ماتریس خودتعاملی شامل مجموعه‌ای از خبرگان و متخصصان دانشگاهی آشنا به گزارشگری مالی است. ملاک اندازه نمونه، نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) است. با استفاده از روش نمونه‌گیری انتخابی هدفمند در ابتدای امر تعداد ۱۱ نفر به به عنوان نمونه خبرگان اولیه تحقیق مشخص و سپس داده‌های لازم جمع‌آوری شد. در طول تکمیل ماتریس‌های خودتعاملی افراد جدیدی

شناسایی شدند که در مجموع ۱۹ نفر از خبرگان نظرات خود را در بخش کمی ارائه نمودند. وضعیت نمونه خبرگان پژوهش نشان داد که ۵۷ درصد از نمونه خبرگان تحقیق دارای سابقه علمی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و ۲۱ درصد آن‌ها نیز دارای سابقه اجرایی در سازمان‌های مرتبط همانند سازمان حسابرسی ایران در موضوع مورد مطالعه می‌باشند. علاوه بر دودسته فوق ۲۲ درصد از نمونه خبرگانی نیز دارای سابقه بلندمدت، حسابداری و حسابرسی هستند، که دارای تحصیلات عالیه دانشگاهی می‌باشند. میانگین سابقه کار خبرگان دانشگاهی و عوامل اجرایی بین ۱۵ و ۱۸ سال و سابقه کار خبرگان سرمایه‌گذاری نیز ۱۴ سال فعالیت می‌باشند، که نشان‌دهنده تجربه خوب و به دنبال آن آشنایی کامل به ابعاد موضوع پژوهش هستند. برای تحلیل داده‌ها در بخش مدلسازی با روش ISM، از نرم افزار ISM متلب استفاده شد.

یافته های پژوهش

روش‌های متعددی برای انجام فراترکیب پیشنهاد شده است که الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو بیشترین کاربرد را دارد.

گام نخست: تنظیم سوال‌های پژوهش

نخستین گام فراترکیب تنظیم پرسش‌های پژوهش است. به همین خاطر برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از جدول یک در زیر استفاده شده است.

جدول ۱. مشخصه‌ها و پرسش‌های پژوهش

مشخصه ها	پرسش‌های پژوهش
چیستی کار (What)	شاخص‌های اصلی امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری اقتصادی ذی‌نفعان
جامعه مورد مطالعه (Who)	منابع مختلف اعم از مقاله و پایان‌نامه در مورد امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن
محدودیت زمانی (When)	کلیه منابع موجود بین سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ میلادی و معادل شمسی آن ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴
چگونگی روش (how)	بررسی موضوعی منابع، استخراج کدها، بررسی و تحلیل مفاهیم، دسته‌بندی مفاهیم

گام دو: بررسی نظام‌مند متون

در این مرحله پژوهشگر به جستجوی سیستماتیک مقالات منتشر شده در مقاله‌های معتبر خارجی و داخلی با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مناسب پرداخت. پس از گزینش کلمات کلیدی مرتبط و متفاوت، واژگان کلیدی زیر که در جدول دو مشاهده می‌شوند مورد جستجو قرار گرفت.

جدول ۲. واژگان کلیدی جستجوی سیستماتیک مقالات

ردیف	کلید واژه	انگلیسی / فارسی
۱	شاخص‌های اصلی امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن	فارسی
۲	ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه	فارسی
۳	The main indicators of feasibility of improving the quality characteristics are related	انگلیسی
۴	Qualitative characteristics of relevance based on fair value	انگلیسی

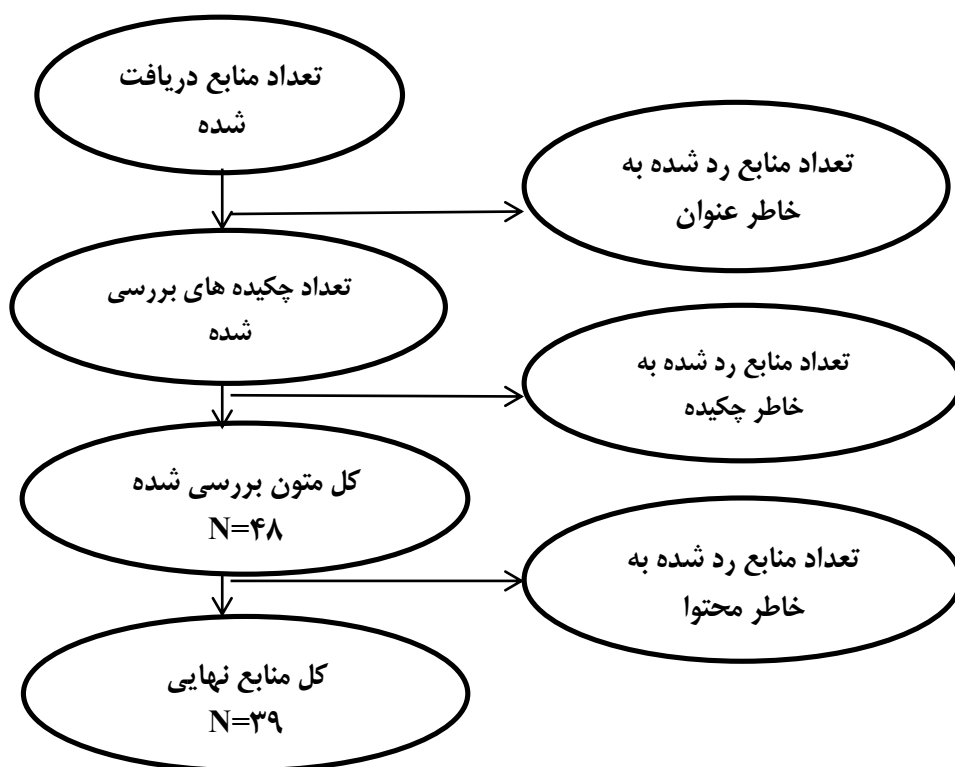
برای جستجوی سیستماتیک متون مرتبط جدول ۳ مورد استفاده قرار گرفت. همانطور که ملاحظه می شود این کلید واژه‌ها در پایگاه های اطلاعاتی برای بازیاب مقالات مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۳. مقالات بازیابی شده به تفکیک پایگاه های مورد استفاده

نام پایگاه	تعداد مقاله
WOS (آی اس آی)	۸
BMJ (بی ام جی)	۳
Sage (سیج)	۹
Scopus (اسکوپوس)	۱۵
Wiley (وایلی)	۱۳
Science Direct (ساینس دایرکت)	۱۹
ProQuest (پروکوئست)	۶
Emerald (امرالد)	۱۲
Springer (اشپرینگر)	۱۲
مجموع	۹۷

گام سه: جستجو و بررسی مقاله های مرتبط

پس از شناسایی واژگان کلیدی تحقیق، مجموعه مقاله های حاوی واژگان کلیدی شناسایی شدند. این مقالات براساس مواردی چون عنوان، چکیده، محتوا و روش تحقیق در پایگاه داده های مذکور مانند شکل (۱) در زیر غربال می شوند و مقاله های نهایی به تعداد ۳۹ مورد استخراج می شدند.



شکل ۱. مراحل و تعداد منابع بررسی شده در فراترکیب

روند بررسی گام سوم با استفاده از برنامه CASP انجام گرفت. برنامه مهارت های ارزیابی حیاتی CASP ابزاری برای ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه در روش تحقیق کیفی است. این ابزار یکی از روش های سنجش روایی و پایایی تحقیق کیفی است و به ویژه برای سنجش روایی و اعتبار در روش تحقیق فراترکیب مورد استفاده قرار می گیرد. در این مرحله، کلیه مقالات جستجو شده از نظر عنوان، چکیده، ساختار مقاله، محتوا و سایر بخش های مقالات مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعات کیفی، به طور معمول از ابزار برنامه مهارت های ارزیابی حیاتی CASP که شامل معیارهای ۱۰ گانه روبریک استفاده شده که عبارتند از: ۱. تناسب اهداف ۲. روش ۳. طرح پژوهش ۴. روش نمونه گیری ۵. کیفیت جمع آوری داده ها ۶. انعکاس پذیری ۷. اخلاق پژوهش ۸. دقت تجزیه و تحلیل داده ها ۹. وضوح بیان یافته ها ۱۰. ارزش کلی پژوهش. در این ابزار هر مقاله بر اساس نمره یا درجه کسب شده، به مرحله بعد راه می یابد. امتیازدهی و درجه بندی CASP بر اساس ضعیف (کسب نمره ۰ تا ۱۰)، متوسط (کسب نمره ۱۱ تا ۲۰)، خوب (کسب نمره ۲۱ تا ۳۰)، خیلی خوب (کسب نمره ۳۱ تا ۴۰)، عالی (کسب نمره ۴۱ تا ۵۰) انجام می شود. جدول یک بر اساس معیارهای CASP برای امتیازدهی به برخی مقالات به عنوان نمونه استفاده شد.

جدول ۴. معیارهای CASP برای امتیازدهی به مقالات پذیرفته شده

ردیف	مقاله	اهداف تحقیق	منطق روش	طرح تحقیق	روش نمونه برداری	جمع آوری داده ها	انعکاس پذیری	ملاحظات اخلاقی	دقت تجزیه و تحلیل داده ها	بیان واضح و روشن یافته ها	ارزش تحقیق	امتیاز کسب شده	نتیجه نهایی
۱	A Comparison of Value Relevance of US Versus Non-USGAAP Accounting Measures Using Form 20-F Reconciliations	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴۹	پذیرش
۲	The Relevance of the Relevance Value Literature for Financial Accounting Standard Setting: Another View	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴۹	پذیرش
۳	Value Relevance of Earnings and Book Values for Greek Listed Firms	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴۹	پذیرش
۴	Changes in the value-relevance of financial reporting	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴۸	پذیرش
۵	comparison of value relevance of accounting information in different segments of	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۵	۵	۵	۵	۴۸	پذیرش

												the Chinese stock market	
پذیرش	۴۸	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years	۶
پذیرش	۴۷	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۵	Accounting Standard-Setting Organizations and Earnings Relevance: Longitudinal Evidence from NYSE Common Stocks	۷
پذیرش	۴۷	۴	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۴	۵	۵	بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری	۸
پذیرش	۴۷	۵	۵	۴	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	تأثیر تدوین و اجرای استانداردهای حسابداری ملی بر ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات حسابداری	۹
پذیرش	۴۷	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۵	۵	A methodology to measure the quality of Relevance avoidance case studies: Findings from the Netherlands,	۱۰

گام چهار: استخراج اطلاعات مقالات

در این مرحله محتوای مقالات به دقت مطالعه شده و شاخص‌های اساسی استخراج می‌شود. در واقع در این بخش پس از مشخص شدن سؤالات پژوهشی، از طریق انتخاب کلیدواژه‌ها و جستجوی این عبارات، منابع شناسایی و پس از تایید مستندات بر اساس معیارهای ورودی مشخص شده، استخراج داده‌ها از روش کدگذاری انجام می‌شود. سوال روش فراترکیب در این پژوهش این است که: شاخص‌های امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری‌های ذی‌نفعان کدامند؟ برای پاسخ به این سوال مطابق کلیدواژه‌های انتخاب شده در مراحل قبل جستجو انجام شد و نهایتاً ۳۹ منبع از میان ۹۷ منبع جهت استخراج شاخص‌ها شناسایی شدند.

گام پنج: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

مهمترین بخش یک تحقیق کیفی به روش فراترکیب این مرحله است که در این بخش انجام می‌شود. در این گام شاخص‌های حاصل از ۳۹ مقاله مشخص شدند. البته امتیاز دریافتی آنها نیز که برگرفته از جدول CASP است هم در جدول ۴ آورده شده است.

گام نَش: پایایی و اعتبار مدل (کنترل کیفیت).

در پژوهش کیفی منظور از اعتبار، مفاهیمی شامل دفاع پذیری، باورپذیری، تصدیق پذیری و حتی بازتاب پذیری نتایج تحقق است. یکی از شاخص های پایایی تحقیق کیفی، ارزیابی دو یا چند سند از حیث ارجاع به شاخصی خاص است. با محاسبه شاخص کاپا می توان پایایی را ارزیابی کرد. چرا که منظور از روایی این است که مقیاس و محتوای سؤالات دقیقاً متغیرها و موضوع مورد پژوهش را اندازه گیری کند. کاپا مناسب ترین و قابل اعتماد ترین روش بررسی و تخمین توافق میان مشاهدات است (آرمیتاژ و همکاران، ۲۰۱۳). برای سنجش و ارزیابی پرسشنامه و یا هر ابزار سنجشی، از ملاک روایی استفاده می شود، اگر دارای این معیار باشد، بدان معناست که میزان یا درصد اشتباه پژوهشگر در اندازه گیری ملاکها و عوامل موردنظر به حداقل رسیده است. پایایی بخش فراترکیب پژوهش با کمک ۳ نفر از اساتید این حوزه که دارای رتبه علمی دانشیار و سابقه بیش از ۱۸ سال تدریس و پژوهش بودند نیز بررسی مجدد صورت گرفت و با کمک کاپای کوهن انجام شده است. ضریب کاپای کوهن محاسبه و برابر ۰/۸۶ شد که نشان از روایی مناسب روش فراترکیب دارد.

$$K = \frac{PO - Pe}{1 - Pe}$$

که در آن PO نشان دهنده واحدهای مورد توافق و Pe واحدهایی که احتمال توافق تصادفی وجود دارد.

گام هفت: استخراج اطلاعات مقالات

در این مرحله از فراترکیب، یافته های حاصل از مراحل قبل ارائه می شود. شاخص های استخراج شده برای امکان سنجی بهبود ویژگی های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری های ذی نفعان از روش فراترکیب تعداد ۱۷ شاخص است که در جدول ۵ در زیر نشان داده شده است.

جدول ۵. شاخص های استخراج شده از روش فراترکیب

کد	شاخص	کد	شاخص
C1	کاهش عدم تقارن اطلاعاتی	C10	بهبود کیفیت تصمیم های درون سازمانی
C2	تسهیل تجدید ارزیابی دارایی ها	C11	افزایش پاسخگویی مدیریت
C3	کاهش ابهام در ارزش گذاری دارایی ها	C12	تقویت سودمندی اطلاعات حسابداری
C4	افزایش مربوط بودن اطلاعات برای تصمیم گیری	C13	افزایش شفافیت اطلاعات مالی
C5	کمک به تصمیم گیری بهتر سرمایه گذاران و سایر ذینفعان	C14	افزایش اعتماد استفاده کنندگان به صورت های مالی
C6	امکان افشای بهتر ارزش نهفته دارایی ها	C15	بهبود قابلیت اتکا/واقعی بودن گزارش ها
C7	کاهش فاصله ارزش دفتری و ارزش اقتصادی واقعی	C16	استفاده از ارزش منصفانه به عنوان روش مطلوب تر ارزیابی
C8	همسویی بیشتر گزارشگری با منافع ذینفعان	C17	کاهش موانع اجرایی و مالی در تجدید ارزیابی
C9	افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی		

در بخش کمی نتایج بخش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) بیان می شود. در گام اول ماتریس خودتعاملی ساختاری پژوهش را با استفاده از نظر پاسخ دهندگان تشکیل می دهیم برای تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری خبرگان معیارها را به صورت زوجی با یکدیگر در نظر می گیرند و بر اساس طیف به مقایسات زوجی پاسخ می دهند. V: عامل سطر i باعث محقق شدن عامل ستون j می شود. A: عامل ستون j باعث محقق شدن عامل سطر i می شود. X: هر دو عامل سطر و ستون باعث محقق شدن یکدیگر می شوند (عامل i و j رابطه دوطرفه دارند). O: بین عامل سطر و ستون هیچ ارتباطی وجود ندارد. ماتریس خودتعاملی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۶. ماتریس خودتعاملی ساختاری

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17
C1		O	V	V	O	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V
C2			X	X	A	V	V	V	V	V	V	X	A	V	A	V	A
C3				A	A	A	X	X	X	V	A	A	A	V	V	V	V
C4					A	V	A	X	v	V	X	A	V	V	V	V	V
C5						V	V	O	V	V	V	X	O	V	X	V	V
C6							X	V	X	V	A	A	V	V	V	V	V
C7								O	V	V	V	A	O	V	V	V	V
C8									X	V	O	A	O	O	O	O	V
C9										V	V	A	O	A	V	V	V
C10											A	A	O	A	A	A	V
C11												V	O	V	V	V	V
C12													O	V	V	V	V
C13														O	V	O	V
C14															X	V	V
C15																V	V
C16																	V
C17																	

در گام دوم باید ماتریس دستیابی اولیه را با تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک تشکیل داد. برای این کار از قاعده زیر استفاده می‌شود: اگر نماد خانه ij حرف V باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد صفر گذاشته می‌شود. اگر نماد خانه ij حرف A باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه عدد ۱ گذاشته می‌شود. اگر نماد خانه ij حرف X باشد در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ گذاشته می‌شود. اگر نماد خانه ij حرف O باشد در آن خانه عدد صفر و در خانه قرینه نیز عدد صفر گذاشته می‌شود. ماتریس دستیابی اولیه در جدول ۳ آورده شده است. پس از اینکه ماتریس اولیه دستیابی بدست آمد، باید سازگاری درونی آن برقرار شود. به عنوان نمونه اگر متغیر ۱ منجر به متغیر ۲ شود و متغیر ۲ منجر به متغیر ۳ شود، باید متغیر ۱ نیز منجر به متغیر ۳ شود و اگر در ماتریس دسترسی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شود و روابط این چینی اصلاح و ایجاد شوند. این سازگاری با استفاده از روابط ثانویه که ممکن است وجود نداشته باشند به ماتریس دستیابی اولیه افزوده می‌شوند. در جدول ۴ سلول‌های که با 1* نشان داده شد روابطی هستند که در ماتریس سازگار شده ایجاد شده اند.

جدول ۷. ماتریس دستیابی اولیه

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17
C1	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
C2	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰
C3	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
C4	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱
C5	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
C6	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱
C7	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱
C8	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
C9	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱
C10	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
C11	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱
C12	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
C13	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱
C14	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
C15	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱
C16	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
C17	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

- در گام بعدی ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده تدوین می شود.

جدول ۸. ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده

قدرت نفوذ	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	
C1	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۷
C2	۰	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱۶
C3	۰	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱*	۰	۱	۱	۱	۱	۱۵
C4	۰	۱	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱۶
C5	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱۶
C6	۰	۱*	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱۵
C7	۰	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱۶
C8	۰	۱*	۱	۱	۰	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱۴
C9	۰	۱*	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱۶
C10	۰	۱*	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۳
C11	۰	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱۶
C12	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱۶
C13	۰	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱۶
C14	۰	۱*	۱*	۰	۱*	۱*	۰	۱*	۱	۱	۱*	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱۲
C15	۰	۱	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱*	۰	۱	۱	۱	۱	۱۵
C16	۰	۱*	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۴
C17	۰	۱	۱*	۱*	۰	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۰	۱*	۰	۱*	۱	۱۳
میزان وابستگی	۱	۱۷	۱۵	۱۴	۱۳	۱۵	۱۴	۱۵	۱۵	۱۷	۱۵	۱۲	۱۱	۱۵	۱۴	۱۶	۱۷	

در گام بعدی سطح بندی شاخص های تعیین می شود. در این گام مجموعه معیارهای ورودی (پیش نیاز) و خروجی (دستیابی) برای هر معیار محاسبه می شود و سپس عوامل مشترک نیز مشخص و در این گام معیاری دارای بالاترین سطح است که مجموعه خروجی (دستیابی) با مجموعه مشترک برابر باشد. پس از شناسایی این متغیر یا متغیرها، سطر و ستون آن ها از جدول حذف و عملیات دوباره بر روی دیگر معیارها تکرار می شود. خروجی ها و ورودی ها از ماتریس دستیابی اولیه سازگار شده (جدول ۴) استخراج می شود برای این کار، تعداد ۱ ها در هر سطر بیانگر خروجی، و تعداد ۱ ها در ستون برابر ورودی هستند، نتایج در جدول ۵ آورده شده است.

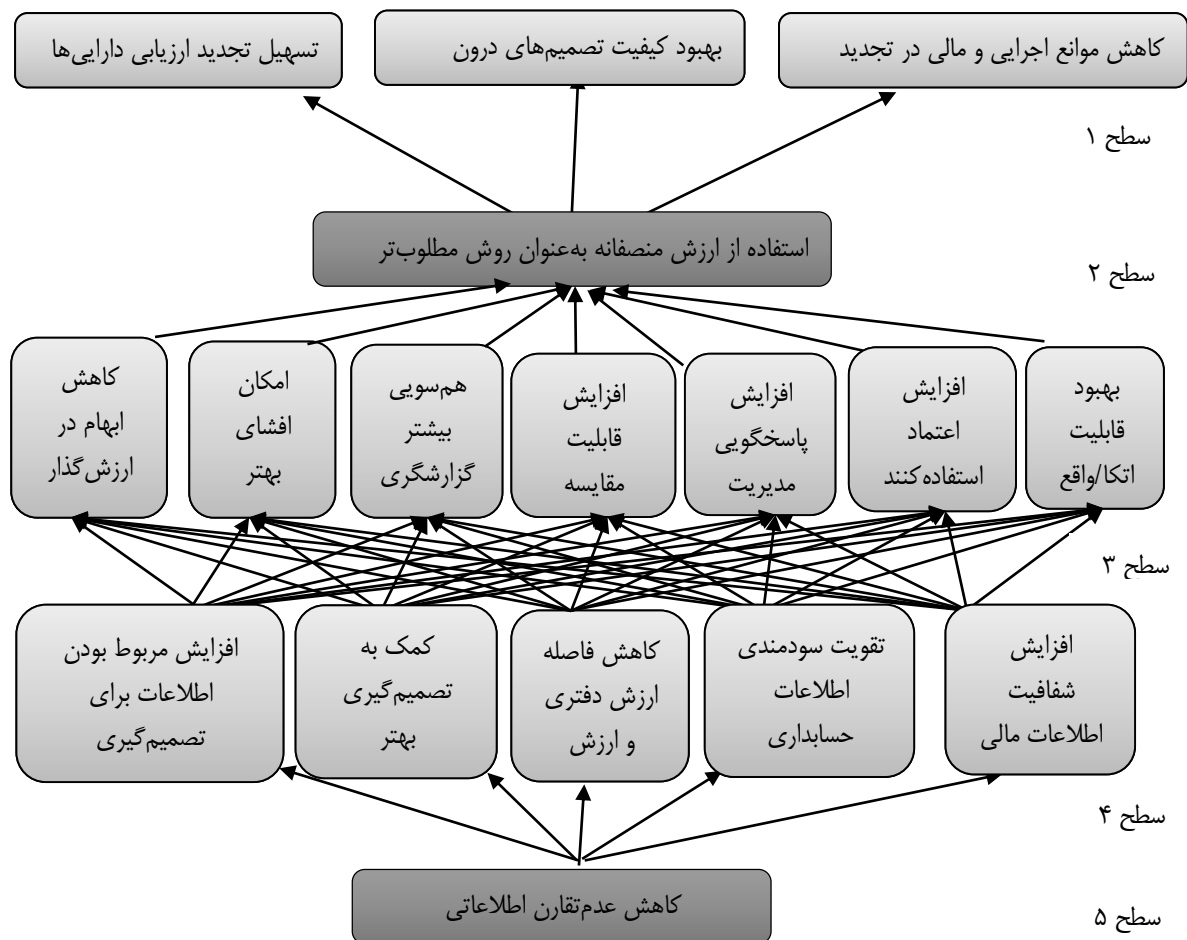
جدول ۹. سطح بندی معیارها

نام معیار	خروجی	ورودی	اشتراک	سطح
C1	C1-C2- C3-C4- C5-C6- C7-C8- C9-C10- C11-C12- C13-C14- C15-C16- C17	-C1	-C1	5
C2	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	1
C3	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C14- C15-C16- C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C14-C15- C17	3
C4	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C15- C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C13-C15- C17	4
C5	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C9-C11- C12-C13- -C14-C15	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C9-C11- C12-C13- C14- -C15	4
C6	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C13-C14-	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C13- C14-C15- C17	3

	C15-C16- C17			
C7	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C15- C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C13-C15- C17	4
C8	C2-C3- C4-C6- C7-C8- C9-C10- C11-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C4-C6- C7-C8- C9-C11- C13-C14- C15-C17	3
C9	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	3
C10	C2-C10- C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C2-C10- C17	1
C11	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	3
C12	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C7- C9-C11- C12-C13- C15-C17	C2-C3- C4-C5- C7-C9- C11-C12- C13-C15- C17	4
C13	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9-	C1-C2-C4- C5-C6-C7- C8-C9-C11- -C12-C13	C2-C4- C5-C6- C7-C8- C9-C11-	4

	C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17		C12- -C13	
C14	C2-C3- C5-C6- C8-C9- C10-C11- C14-C15- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C17	C2-C3- C5-C6- C8-C9- C11-C14- C15-C17	3
C15	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C10-C11- C12-C14- C15-C16- C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- -C15	C2-C3- C4-C5- C6-C7- C8-C9- C11-C12- C14- -C15	3
C16	C2-C10- C16-C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C11-C12- C13-C14- C15-C16- C17	C2-C16- C17	2
C17	C2-C3- C4-C6- C7-C8- C9-C10- C11-C12- C14-C16- C17	C1-C2-C3- C4-C5-C6- C7-C8-C9- C10-C11- C12-C13- C14-C15- C16-C17	C2-C3- C4-C6- C7-C8- C9-C10- C11-C12- C14-C16- C17	1

در گام آخر با استفاده از سطوح بدست آمده از معیارها، شبکه تعاملات ISM رسم می‌شود. اگر بین دو متغیر i و j رابطه باشد آن را به وسیله یک پیکان جهت دار نشان می‌دهیم. دیاگرام نهایی ایجاد شده که با حذف حالت‌های تعدی و نیز با استفاده از بخش‌بندی سطوح بدست آمده است در شکل یک نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل امکان سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری‌های ذی‌نفعان در ایران

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی مدل امکان سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی مربوط بودن براساس ارزش منصفانه از منظر تئوری‌های ذی‌نفعان در ایران به انجام رسید. با تحلیل داده‌های گردآوری شده مدلی پنج سطحی حاصل شد که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان تأثیرگذارترین شاخص در مدل مذکور تعیین شد. در واقع مدل پژوهش نشان داد که در ارزیابی امکان‌سنجی بهبود ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی به‌ویژه ویژگی مربوط بودن بر اساس ارزش منصفانه، «کاهش عدم تقارن اطلاعاتی» به‌عنوان قوی‌ترین و تأثیرگذارترین شاخص شناخته می‌شود. در اقتصاد و تئوری‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی زمانی رخ می‌دهد که مدیران (عاملان درون سازمان) اطلاعات بیشتر، دقیق‌تر و به‌روزتری نسبت به ذینفعان (سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارکنان و دولت) در اختیار دارند. طبق تئوری اقتصادی ذینفعان، مدیریت باید در جهت منافع همه‌جانبه ذینفعان عمل کند. اما به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، مدیران ممکن است دست به کژمنشی بزنند (مثلاً سودها را مدیریت کنند یا ارزش واقعی دارایی‌ها را برای مقاصد خاص پنهان کنند).

اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شوند که دارای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی یا ارزش تاییدکنندگی باشند و بتوانند تصمیم ذینفع را تغییر دهند. وقتی عدم تقارن اطلاعاتی بالاست، اطلاعات خروجی سیستم حسابداری فاقد این ارزش‌ها خواهد بود؛ زیرا ذینفع عملاً از روندهای واقعی درون شرکت بی‌خبر است. ایران دهه‌هاست که با تورم ساختاری و دورقمی (و در سال‌های اخیر شدید) مواجه است. در چنین شرایطی بهای تمام‌شده تاریخی دارایی‌ها (مانند زمین، ساختمان و تجهیزات خریداری‌شده در سال‌های گذشته) پس از مدت کوتاهی کاملاً بی‌معنی می‌شود. ارزش منصفانه با به‌روزرسانی ارزش این دارایی‌ها، حباب عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از تورم را از بین می‌برد و ارزش واقعی ثروت شرکت را به ذینفعان نشان می‌دهد. در سطح چهارم مدل پژوهش، پنج شاخص قرار دارند که نقش‌های مکمل و زنجیره‌ای دارند.

از منظر تئوری ذی‌نفعان، گزارشگری مالی زمانی ارزشمند است که بتواند اطلاعاتی قابل‌استفاده برای تصمیم‌گیری اقتصادی همه ذی‌نفعان، نه فقط سهامداران، فراهم کند. این سطح نشان می‌دهد که در امکان‌سنجی بهبود ویژگی کیفی مربوط بودن بر اساس ارزش منصفانه، این پنج عامل نقش کلیدی دارند. افزایش شفافیت زمینه‌ساز کاهش ابهام و پنهان‌ماندن ارزش‌های واقعی است. کاهش فاصله ارزش دفتری و اقتصادی باعث واقعی‌تر شدن صورت‌های مالی می‌شود. تقویت سودمندی اطلاعات حسابداری ارزش کاربردی اطلاعات را بالا می‌برد و افزایش مربوط بودن اطلاعات نشان‌دهنده اثرگذاری اطلاعات بر تصمیم‌هاست که در نهایت، همه این موارد به تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان منجر می‌شوند. سایر شاخص‌های مدل نیز نقشی رابط دارند اما شاخص‌های سطح اول تاثیرپذیرترین شاخص‌های مدل هستند. برای امکان‌سنجی بهبود ویژگی کیفی مربوط بودن بر مبنای ارزش منصفانه از منظر تئوری‌های ذی‌نفعان در ایران، راهکارها باید طوری طراحی شوند که هم منافع ذی‌نفعان را پوشش دهند و هم هزینه‌ها، ریسک‌ها و محدودیت‌های اجرایی را کاهش دهند.

به همین خاطر پیشنهاد می‌شود که تقویت زیرساخت‌های ارزش‌گذاری در اولویت قرار گیرد و این امر می‌تواند با ایجاد و توسعه بازارهای فعال و قابل اتکا برای دارایی‌ها و دسترسی به داده‌های قیمت روز و بانک‌های اطلاعاتی معتبر و فراهم نمودن استفاده از کارشناسان رسمی و ارزیابان مستقل در کنار تدوین روش‌های استاندارد برای دارایی‌هایی که بازار فعال ندارند، محقق شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که به افزایش شفافیت و افشای اطلاعات توجه ویژه شود و برای دستیابی به این راهکار مهم هم می‌توان به الزام شرکت‌ها به افشای مبنای محاسبه ارزش منصفانه و همچنین، افشای تغییرات ارزش دارایی‌ها در دوره‌های مختلف با رویکرد گزارش‌گری دقیق درباره ریسک‌های بازار، نقدشوندگی و عدم قطعیت با کمک تفکیک روشن بین ارزش دفتری و ارزش اقتصادی واقعی به افزایش شفافیت و افشای اطلاعات نائل آمد.

منابع:

- بادآورندهی، یونس، پورحسین، مسلم و فرخی نمین، معصومه، (۱۴۰۴)، پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، شماره ۳۲، ۱۳۴-۱۵۹.
- علیپور، حامد، (۱۴۰۲)، تحقیق در نتیجه سیاست های اعتباری بر مربوط بودن داده های حسابداری در شرکت ها با اهرم مالی متفاوت، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، شماره ۲۵، ۱۴۲-۱۱۹.
- رامکی، هادی و گودرزی، کاظم، (۱۴۰۳)، بررسی رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه با مربوط بودن اطلاعات و جریان های نقد آزاد (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، مجله پژوهش های حسابداری، شماره ۳۸، ۸۷-۱۰۲.
- رشیدی، فریبا، مرادیپور، مجتبی، صیدخانی، رضا، عزیزپور، لیدا، (۱۴۰۳)، ارائه الگوی سلسله مراتبی ارزیابی عملکرد حسابداری ارزش منصفانه، مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۴۱، ۷۹-۹۸.
- سهیلی فرد، مهدیه و امینی پور، محمد، (۱۴۰۲)، ویژگی های کیفی مربوط بودن و نقش آن در حسابداری، مجله حسابداری مدیریت، شماره ۴۱، ۱۲۳-۱۰۱.
- Alfonso, M. & Watts, R. (2023). Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 2-3 (48): 132-150.
- Adeby, T. E. & Stanga, K. G. (2024). Related qualities of useful accounting information. *Accounting and Business Research*, 53 (14): 35-41.
- Alsafa, P. & Collins, D.W. (2020). Errors in estimating accruals: implication for empirical research. *Journal of Accounting Research*, 3 (40): 727-759.
- Bratten, K. G. (2021). The relationship between relevance and reliability: Some empirical results. *Accounting and Business Journal*, 11: 29-39.
- Lev, M., Kim, O. & Lim, S. C. (2023). Reliability as a means to achieve relevance in valuation: does historical Cost qualify as "What it purports to represent"? *Journal of Accounting Knowledge*, 4 (13): 151-170.
- Hermansol, D. and P. Wang, (2022), "Conservatism in Residual Income Models: Theory and Supporting Evidence", *Accounting and Business Research*, 45(3), PP. 387-410.
- Frooman, E.; Linsmeier, T.; Petroni, K.; Shakespeare, C. (2021). "Fair Value Accounting for Financial Instruments: Does It Improve the Association between Bank Leverage and Credit Risk?", *The Accounting Review* 88(4), 143-177.
- Russo, P., & Novotny-Farkas, Z. (2023). The impact of the institutional environment on the value relevance of fair values. *Review of Accounting Studies*, 22(1), 392-429.
- Daea, H. & Zhang, J. (2022). "Fair Value Accounting and Corporate Debt Structure, *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*".